

نقد و تحلیل برداشت معنای «مرگ» از واژه «حین» در ترجمه برخی از آیات قرآن بر اساس «نظریه معنی»

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۳)

دکتر حسن اسماعیل زاده*
دکتر عبدالاحد غیبی**
فهیمة رنجبر***

سال اول
شماره اول
پائیز و زمستان
۱۳۹۶

چکیده:

دست‌یابی به معانی حقیقی واژگان مستلزم توجه به سیاق و بافت جمله است و بدین طریق معانی حقیقی و اصلی از معانی مجازی و فرعی متمایز می‌گردد. واژه «حین» با مشتقاتش ۳۵ بار در قرآن کریم آمده است. واژه مذکور نقش ظرف زمان دارد و در بیشتر آیات به «زمان» ترجمه شده است. اما در آیات ۹۸ یونس، ۲۵ و ۵۴ مؤمنون، اغلب مترجمان آن را «زمان مرگ» ترجمه کرده‌اند. پژوهش حاضر در صدد است علل و چرایی برداشت معنای «زمان مرگ» از واژه «حین» را بر اساس نظریه معنی در ترجمه تبیین نماید. توجه مترجمان به سیاق بیش از توجه به معنای واژه، تقدیر معنوی مضاف الیه آن یعنی واژه موت و تناسب زمان نامعلوم مرگ انسان با زمان مبهم واژه حین، از جمله نتایج قابل ذکر پژوهش حاضر می‌باشند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نقد ترجمه، معیارهای ترجمه، حین.

* استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول) (h.esmailzade@gmail.com).

** دانشیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (abdolahad@azaruniv.edu).

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (hazrati.faezeh@yahoo.com).

قرآن، بزرگترین و مقدس‌ترین کتابی است که از جانب خداوند برای هدایت انسان‌ها فرستاده شده است، اما همه قادر به فهم و درک مفاهیم و آیات آن نیستند بنابراین انسان برای فهم، درک و استفاده از قرآن در جهت هدایت، نیازمند ترجمه‌ها و تفاسیر است تا به مقصود خود که رسنگاری است، دست یابد. قرآن از زمان نزول مورد توجه مفسران و مترجمان مختلفی قرار گرفته است. نخستین مفسر و معلم قرآن در میان بشر، اولین قاری و مبلغ آن، پیامبر ﷺ بوده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۵۰) مترجمان و مفسران با وجود این که تلاشهای بی وقفه‌ای در ترجمه قرآن کریم انجام داده‌اند اما این امکان وجود نداشته است که به نهایت عمق معانی و ابعاد آن پی ببرند. ترجمه‌های مختلفی به زبان فارسی نوشته شده است، ولی مشاهده می‌شود که هر کدام به شکل خاصی آیات را ترجمه کرده‌اند. قرآن ظاهری ساده و آرام، اما باطنی پویا و چند بطنی و پربار دارد و با گذشت زمان، مفاهیم اصلی آن بر انسانها آشکار می‌شود. ترجمه قرآن تاریخچه‌ای به درازای اسلام دارد و از زمان پیامبر اکرم ﷺ تاکنون ادامه داشته است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۳۵) استفاده از کتب قدیمی لغت، یکی از اصول و مبانی ادبی در ترجمه قرآن به شمار می‌رود، چرا که هر چه تألیف کتاب لغت به صدر اسلام نزدیک تر باشد، به فضای نزول آیات و کاربرد لغات در عرف آن زمان نزدیک تر است؛ در نتیجه، ریشه لغت روشن تر می‌شود و واقع‌نمایی بیشتری داشته و بهتر می‌تواند معنای واقعی واژگان را در ذهن ما واضح سازد مثل کتاب های مفردات راغب اصفهانی و العین اثر خلیل بن احمد. (همان: ۱۵۷) باطن، در لغت به معنای پنهان و غیر ظاهر است به عبارت دیگر، معنا یا حقیقتی که آیات ناظر به آن است، اما ظاهر الفاظ دلالتی بر آن ندارد. (ساعدی، ۱۳۹۲: ۱۴۰) بنابراین این پژوهش در صدد است به بررسی واژه «حین» در قرآن پردازد و ثابت کند که چرا ترجمه این واژه که نقش ظرف زمان دارد و از واژگان ساده و واضح قرآن است، به زمان مرگ ترجمه شده است؟ پس از این رو، واژه «حین» نیز باید با توجه به سیاق آیات و نیز با توجه به باطن آیات ترجمه شود.

در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی آیاتی پرداخته شده که در آنها واژه مذکور معنای ظرفیت خود را از دست داده و معنای «زمان مرگ» را می‌دهد و دریافت این معنا از طریق توجه به ترجمه‌های: الهی قمش‌های، فولادوند و صفوی، تفاسیر: المیزان، کشف، مجمع البیان، نسیم حیات و تفسیر نسفی و همچنین توجه به سیاق آیات و تحلیل ساختار آیات که تأثیر فراوانی در ترجمه‌ها داشته است، مورد بررسی قرار گرفته است. در این بحث برای اینکه بتوانیم علت این امر که چرا مترجمان فارسی قرآن کریم ظرف زمان «حین» را مرگ معنا کرده‌اند، را بررسی کنیم و به یک نتیجه مطلوب برسیم، لازم است به این سوالات پاسخ دهیم:

۱-۱- پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا می‌توان گفت چون مرگ ارتباط به زمان دارد و «حین» هم ظرف زمان است، پس به این دلیل «مرگ» معنا شده است؟
- ۲- آیا چون «حین» به زمان معینی دلالت ندارد به همین دلیل و براساس سیاق آیات «مرگ» معنا شده است؟
- ۳- آیا علت ترجمه «حین» به زمان مرگ، تشابه ظاهری با واژه «حین» به معنای هلاک و مرگ بوده است؟

۲-۱- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- «حین» وقت رسیدن و حصول شیء است و آن مبهم است و با مضاف الیه معلوم می‌گردد، بنابراین چون وقت رسیدن و حصول مرگ هم مبهم است، شاید به این دلیل «حین» به تقدیر مضاف الیه آن یعنی واژه «موت»، مرگ معنا کرده‌اند.
- ۲- دلیل تغییر معنای بعضی از کلمات به سیاق آیات برمی‌گردد و احتمالاً دلیل تغییر معنای «حین» سیاق آیه باشد.
- ۳- شیوهی قرائت و تلفظ کلمات و نوع صدا و حرکت و سکون آنها مؤثر در تعیین معنای آنهاست. بنابراین علماء در مورد تلفظ برخی واژگان قرآن کریم از جمله واژه حین، اختلاف نظر دارند. شاید واژه «حین» نیز اشتباهی تلفظ شده و با واژه «حین» به معنای مرگ و هلاک اشتباه گرفته شده است.

۳-۱- پیشینه پژوهش

- در زمینه تحلیل و نقد واژگان قرآنی، مقاله و کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر در آمده است که یکی از مهمترین آنها مقاله‌ای تحت عنوان «حین فی القرآن الکریم استعمالاً و دلالة» است که سعید عاشور در سال ۲۰۱۳م در دانشگاه غزه به چاپ رسانیده است و بیشتر به بررسی واژه «حین»، از لحاظ لغوی، معناشناختی، صرف و نحوی و آمار آن در آیات قرآن، پرداخته است.
- منابع دیگری که در ارتباط با این موضوع نوشته شده‌اند تا حدی به صورت کلی و غیر مستقیم، با موضوع این پژوهش همخوانی دارند که برخی از آنها عبارتند از:
- ۱- کتاب «المعنی و ظلال المعنی» اثر محمد یونس علی که در سال ۲۰۰۷م به رشته تحریر در آمده است.

- ۲- مقاله‌ای تحت عنوان «معادل یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی» توسط محمدرضا پهلوان‌نژاد و شراره سادات سرسرای در سال ۱۳۸۶ش

در مجله مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، به چاپ رسیده است. همچنین در تفاسیر مختلف از جمله تفسیر المیزان، تفسیر الکشاف، تفسیر مجمع البیان و سایر تفاسیر در ذیل آیات مشتمل بر واژه «حین»، مطالبی راجع به ویژگی‌های لغوی، معنایی، صرفی و نحوی این واژه ذکر شده‌اند. اما کتاب یا مقاله‌ای که چالش‌های مربوط به ترجمه این واژه را در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم به خصوص در آیاتی که مضاف الیه آن حذف شده، مورد کنکاش و بررسی قرار دهد، تاکنون به چاپ نرسیده است و به نظر می‌رسد موضوع از این حیث ابتکاری و ارزشمند باشد. این پژوهش با شیوه توصیفی تحلیلی و با مراجعه به ترجمه و تفاسیر قرآن کریم و اهتمام به نقش سیاق در استنباط معنای درست واژگان، مطالعه تئوری‌های «نظریه معنی» در علم ترجمه و تطبیق ترجمه با آن‌ها و با هدف رمزگشایی ترجمه واژه حین که فراتر از لفظ ارائه شده و همچنین روشن شدن معنی در ترجمه سایر آیات و احتمالاً متون دینی و ادبی دیگر صورت گرفته است.

۲- واژه شناسی: زایش و بالندگی واژه‌نویسی در میان مسلمانان، اساساً به دلیل اهمیت شناخت مفردات و واژه‌های غریب قرآن کریم بود؛ از این رو، دانشمندان علوم قرآن و مفسران اهتمام ویژه‌ای نسبت به این قاعده داشته‌اند. در شناخت مفردات، باید توجه شود که ریشه و بن کلمه و اشتقاق‌های آن از هم تفکیک شود تا معنی دقیق آنها معلوم گردد، بنابراین برای فهم و تفسیر الفاظ قرآن در درجه نخست باید معانی لغوی و مفاهیم مفردات قرآن کریم، دانسته شود. (اسعدی، ۴۸-۴۹: ۱۳۸۹) برای شناخت واژگان قرآن، راه‌های مختلفی پیش روست؛ نخستین و نزدیکترین راه ریشه‌شناسی واژه‌ها، مراجعه به فرهنگ‌های واژگان عربی است که متخصصان واژه‌شناسی برای مدارک موجود در زبان عربی، معانی واژه را بررسی و بیان کرده‌اند. برخی واژه‌ها دارای اشتراک لفظی هستند یعنی یک واژه چند معنای متفاوت دارد و گاه دارای معانی متضاد با یکدیگر است. برای فهم واژگان قرآن، نباید به فرهنگ‌های واژه‌شناسی بسنده کرد، زیرا کتاب‌های واژه‌شناسی فقط به ابعاد اندکی از کاوش‌های واژه‌شناسی می‌پردازند و تلاش‌های اصلی آنان در بیان ریشه واژه‌ها و کاربردهای مختلف آن اعم از حقیقی و مجازی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

۳- ساختار شناسی: برخی از واژه‌ها در ریشه با برخی دیگر مشترکند؛ ولی تفاوت ساختار هر یک از واژه‌ها معانی خاصی به آن می‌دهد و دانش صرف هم در زبان عربی عهده دار بیان ساختار واژگان است و آگاهی از آن در فهم ساختارهای متفاوت از یک ریشه لغوی ضرورت دارد. (همان: ۱۱۴)

۴- معناشناسی: مراد از معناشناسی شناخت معنای مفردات و ترکیبات اعم از معنای تاریخی و توصیفی است. به عبارت دیگر معناشناسی دو نوع است: معناشناسی تاریخی و معناشناسی توصیفی.

۴-۱- معناشناسی تاریخی: مقصود از معناشناسی تاریخی، شناخت معنایی است که یک

واژه یا ترکیب در طی تاریخ خود داشته است. در آن بررسی می‌شود که معنای اولیه واژه یا ترکیب، چه بوده و چه تطوراتی در آن معنا از آغاز تا کنون، پدید آمده است.

۴-۲- معنانشناسی توصیفی: منظور از معنانشناسی توصیفی، شناخت معنایی است که یک واژه یا ترکیب در مقطع تاریخی خاصی داشته است، صرف نظر از اینکه بعد یا قبل از آن چه معنایی داشته است. در معنانشناسی توصیفی بررسی می‌شود که معنای اصلی یا مراد گوینده چیست و نیز معانی جنبی و هاله‌ای آن که از رهگذر روابط آن واژه با واژگان دیگر نظیر مترادف، متضادها و مجاورها حاصل شده است، چیست. (نکونام، ۱۳۹۰: ۱۹)

۵ - تفاوت معنانشناسی و تفسیر قرآن: تفسیر به دو معنا به کار می‌رود یکی به معنای کشف مراد الهی است از این معنا در آن جایی سخن می‌رود که علمای اسلام در مقام تعریف اصطلاح تفسیر در مقابل «تأویل» اند و دوم، تفسیر به معنای خاص است و آن عبارت از علمی است که عهده دار کشف مراد الهی در آیات قرآن است. نسبت به معنانشناسی و تفسیر به معنای خاص، عهده دار کشف مراد الهی در آیات قرآن است؛ اما معنانشناسی علاوه بر آن، به شناخت معانی دیگر نظیر معانی هاله‌ای الفاظ؛ یعنی حوزه معنای شناختی آن و نیز معانی تاریخی آنها هم می‌پردازد. تفسیر به معنای عام با معنانشناسی مترادف و بلکه اعم از آن خواهد بود؛ زیرا در کتاب‌های تفسیر هرگونه بحثی که حتی به مدلول آیات قرآن کریم هم ارتباط ندارد مطرح می‌شود. (همان، ۱۳۹۰: ۳۰)

۶ - نظریه معنی در ترجمه: نظریه معنی که به عنوان نظریه تأویلی نیز مطرح است، در دهه هفتاد قرن بیستم توسط دانیکا سیلیسکوویچ از بنیانگذاران مدرسه عالی ترجمه شفاهی و کتبی در پاریس (ESIT)، رسمیت یافت و با تحوّل اساسی که به خود دید، طرفداران زیادی را در زمینه علم ترجمه پیدا کرد. بر اساس این نظریه، ترجمه عبارتست از فهم متن، آزادسازی معنای آن از لابلای پوشش الفاظ و بازگویی آن معنی به زبان مقصد. در این نظریه، لغت فقط یک ابزار برای انتقال دادن معناست. (لودریر، ۲۰۰۹: ۷) مترجم باید کلمه را در قالب جمله و جمله را در قالب کلام ببیند و مأموریت مترجم، ترجمه لغت نیست بلکه ترجمه یک پیام است که اگر این گونه عمل کند دیگر با مشکلی هم چون پیچیدگی متن، تناقض، تعدد معانی یا اشتراک لفظی مواجه نخواهد شد. البته اگر چنین عمل نکند و الفاظ را جدای از متن و به تنهایی ترجمه کند، معانی که ارائه می‌کند، مقداری از معانی فرضی و احتمالی خواهد بود؛ چون تعدد معانی، جزء طبیعت کلمه است. (همان: ۳۱-۳۰) در این نظریه، معلومات غیر زبانی و سیاق کلام، نقش تعیین کننده‌ای در رسیدن به پیام یا مفهوم کلام دارند.

۶-۱ - سیاق (بافت): سیاق یا بافت کلام که در نظریه معنی تعیین کننده است، عبارتست از شرایطی که بر فضای متن احاطه دارند. این شرایط ممکن است شرایط نزدیک به متن باشند؛ همان شرایطی که در آن خطاب یا کلام ارائه شده است و یا ممکن است شرایط دور از متن باشند. همانند مناسبت تاریخی، اجتماعی و اقتصادی و... که متن در آن روشن و قابل

فهم می‌گردد. (لودریر، ۲۰۰۹: ۲۶۰)

۶-۲- سیاق لفظی: سیاق لفظی نیز یک عنصر مهم در ترجمه دقیق می‌باشد و عبارتست از محیط لغوی کلمات داخل متن که با توجه به کلمات قبل و بعد، یک کلمه را از حالت چند معنایی خارج کرده و معنای دقیق آن را مشخص می‌نماید. سیاق لفظی، بیشتر معنای فرضی را از کلمه دور می‌کند. در یک ارتباط کلامی، معنی از تسلسل کلمات و جملات شکل می‌گیرد و هر کلمه و جمله‌ای معنای خود را به کلمه و جمله دیگر می‌افزاید و همزمان از آن منتفع می‌شود. لفظ، ماده اولیه یک گفتار یا یک پیام است در حالی که معنی، مضمون و هدف آن پیام است. (الشیدی، ۲۰۱۱: ۹)

۶-۳- سیاق شناختی: خواندن یک متن، یک شناخت مربوط به متن را به شناخت موجود در حافظه شناختی ما می‌افزاید. این شناخت به دور از قید و بند الفاظ است و همیشه به صورت غیر لفظی در ذهن انسان موجود است و مترجم را در فهم متن کمک می‌کند. (همان: ۲۶۱)

۶-۴- سیاق معنایی - لغوی: هر واژه، عبارت، جمله‌واره و جمله، دارای معنا و پیامی است. معنای لغوی هر واژه یا عبارت را ساختار لغوی آن واژه می‌نامیم ولی معنا یا محتوا و یا پیامی که حاصل لغت یا لغات باشد، ساختار معنایی یا محتوایی آن لغت یا مجموعه لغات نامیده می‌شود و بسیاری از مترجمان به دلیل تقید به ساختارهای نحوی و صرفی و لغوی زبان مبدأ، گاهی از ساختار معنایی واژگان، عبارات و جمله‌ها غافل می‌مانند. (قلیزاده، ۱۳۸۰: ۱۲)

۷- واژه «حین» از نظر لغوی: واژه «حین» از ریشه حان، یحین، حیناً و حینونۃ الشیء؛ وقت آن چیز شد، تشکیل شده است. «حان له أن يفعل كذا»: وقت آن شد که چنین یا چنان کند. «حان السنبُل»: خوشه زراعت خشک و وقت درو آن شد. الحین ج احيان جج احيان: زمان، وقت، هنگام ﴿اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾: خدا می‌میراند جانها را در زمان مرگ آنان. (المعلوف، ۱۳۸۷: ۳۵۵، ۳۵۴). حین: موت: تباهی، هلاک، مرگ، نابودی. حیناً: روزگار، روزگاری، زمانی. فی حین: تا وقت معینی. للحین: فوراً، بلافاصله، زود. (بعلبکی، ۱۳۸۸: ۴۶۳) حین وقت رسیدن و حصول شیء است و آن مبهم است و با مضاف الیه معلوم می‌گردد، مانند: ﴿وَلَاتِ حِينَ مَنَاصٍ﴾ (ص/۳) حین بر چند وجه می‌آید: برای اجل، مانند: ﴿فَأَمْنُوا بِمَتَعَنَاهُمْ إِلَى حِينٍ﴾ (الصفات/۱۴۸) برای سال، ﴿تَوْتَى أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ بَاذِنَ رَبَّهَا﴾ (ابراهیم/۲۵) برای زمان مطلق، ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ﴾ (انسان/۱) ﴿وَلَتَعْلَمَنَّ بِنَاءَهُ، بَعْدَ حِينٍ﴾ (ص/۸۸) برای ساعت، ﴿حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ﴾ (الروم/۱۷) حین برای زمان و برای تعبیر از مرگ هم استفاده شده است. (راغب، ۱۴۳۰: ۲۶۷-۲۶۷) حین: وقت (صحاح) ﴿وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ﴾ (بقره/۳۷) تقریباً تمام منابع لغوی بر این امر اجماع دارند که «حین» به معنای «دهر»، زمان و روزگار یا بخشی از آن است و مبهم و مناسب برای

همه زمان‌ها چه کوتاه و چه بلند است. (عاشور، ۲۰۱۳: ۱۱۸) اما برخی از زبان‌شناسان، واژه حین را به چهل سال یا هفت سال یا دو سال یا یک سال یا چند ماه اختصاص داده‌اند. (ابن منظور، ۱۹۹۵، ج ۱۳: ۱۳۳)

۸- واژه «حین» در آیه‌های قرآنی: واژه حین با مشتقاتش ۳۵ بار در آیات قرآن کریم آمده است که در بسیاری از آیات، به همان معنای اصلی خود یعنی هنگام و زمان ترجمه شده است و بدین ترتیب در گستره پژوهش حاضر، قرار نمی‌گیرند اما آن چه که مد نظر است آیاتیست که حین در آن‌ها توسط تعدادی از مترجمان به معنای زمان مرگ آورده شده است که این آیات عبارتند از آیه ۹۸ سوره یونس که ۱۷ نفر از مترجمان قرآن در آن حین را به زمان مرگ ترجمه کرده‌اند و همچنین آیه ۲۵ سوره مؤمنون که ۱۸ نفر از مترجمان زمان مرگ را برای ترجمه این واژه، در نظر گرفته‌اند و آیه ۵۴ سوره مؤمنون که ۱۴ نفر از مترجمان از این ترجمه برای واژه حین استفاده کرده‌اند. البته در برخی از آیات دیگر نیز واژه حین، توسط تعداد اندکی از مترجمان به زمان مرگ ترجمه شده است که در جامعه آماری این پژوهش قرار نگرفته‌اند.

۹- آیه‌هایی که واژه «حین» در آنها به معنای «مرگ» ترجمه شده است:

۹-۱- ﴿فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَّةً ءَامَنْتَ فَنَفَعَهَا اِيْمُنُهَا اِلَّا قَوْمٌ يُّوْنُسُ لَمَّا ءَامَنُوْا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنٰهُمْ اِلٰى حِيْنٍ﴾ (یونس: ۹۸) پس چرا باید از هیچ شهری در وقتی که ایمانشان سود می‌بخشد ایمان نیاورند (و تا زمان معاینه عذاب لجاجت کنند) و تنها قوم یونس باشند که چون ایمان آوردند ما عذاب ذلت را در دنیا از آنها برداشتیم و تا زمانی معین (که وقت مرگ طبیعی بود) آنها را متمتع و بهره‌مند گردانیدیم. (قمشه‌ای، ۱۴۱۵: ۲۲۰) پس چرا در میان شهرهایی که مردمش پیامبران را تکذیب می‌کردند و عذاب بر آن‌ها مقدر شد، مردم هیچ شهری پیش از نزول عذاب ایمان نیاوردند که سودشان دهد ایمانشان و تنها قوم یونس بودند که پیش از نزول عذاب ایمان آوردند و آن‌گاه که ایمان آوردند، ما عذاب خواری دنیا را از آنان برداشتیم و تا مدتی که عمر طبیعی آنان بود از زندگی بهره‌مندشان ساختیم. (صفوی، ۱۳۸۶: ۲۲۰)

چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدت معینی (پایان زندگی و اجلشان) آنها را بهره‌مند ساختیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۸: ۳۸۲) علاوه بر سه ترجمه مذکور که در آن واژه حین به مرگ ترجمه شده، مترجمانی همچون آدینه‌وند، آیتی، انصاریان، بروجردی، کاشف، حجتی، خسروی، رضایی، صفوی، معزی، مکارم، یاسری و تفاسیر حجة‌التفاسیر، کشف‌الاسرار نیز واژه حین را در آیه مذکور «زمان مرگ» ترجمه کرده‌اند. درک و دریافت مفهوم و معنای درست آیه مذکور، نیازمند نگاهی گذرا به آیات قبلی است. از این آیات، می‌توان فهمید

خداوند به کسی اذن ایمان آوردن می‌دهد که خودش مهر بر دل او نرزد باشد و گرنه کسی که اراده خداوند بر او مسلط شده است ایمان نمی‌آورد مگر این که عذاب را ببیند. از ظاهر و سیاق آیه برمی‌آید کلمه لولا برای ترغیب است و منظور از جمله آمنت ایمان اختیاری است همچنان که جمله بعد ﴿فَنَفَعَهَا إِيْمَانَهَا﴾ هم به این معنا اشاره دارد. (طبرسی: ۱۳۷۲، ج ۳، ۲۰۳)

لفظ «حین» به این نکته اشاره دارد که انسان تا زمان مرگ، فرصت دارد تا به خدا ایمان آورد و اگر اراده خداوند در میان باشد ایمان آوردن حتی در آخرین لحظه ممکن می‌شود و حتی سود بخش هم می‌افتد در حقیقت آیه مذکور اشاره به قدرت خداوند و بخشنده بودن او دارد چنانچه با آوردن کلمه الی حین یعنی «تا زمان مرگ» این نکته را ثابت می‌کند. طباطبایی معتقد است که «الی حین» در آیه مذکور به معنای «انقضاء آجالهم» به سرآمدن اجلشان می‌باشد. (طباطبایی: ۱۴۱۷، ج ۱۰، ۲۲۶) طبری می‌گوید: مفسران در تأویل این آیه اختلاف نظر دارند. عده ای می‌گویند: تا زمان مرگ و برخی دیگر می‌گویند تا قیام قیامت و مجاهد می‌گوید: تا روز قیامت و برخی دیگر می‌گویند: تا یک زمان مشخص. (طبری، ۱۹۶۸، ج ۱: ۴۴۲-۴۳۹) قتاده می‌گوید: «روایت شده است که وقتی یونس قوم خود را با عذاب الهی انداز کرد و از میانشان رفت. آنان دیدند که پیامبرشان از میانشان رفته، پی بردند که عذاب الهی به آنان نزدیک شده است و بدین ترتیب خداوند توبه به دلشان انداخت و خداوند صداقت قلبی آنان را دید و عذاب را از آنان دفع کرد و آنان را تا زمان فرارسیدن اجل شان بهره‌مند ساخت.» (صابونی، ۲۰۰۲، ج ۱: ۵۵۷)

۹-۲- ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ﴾. (۲۵/مؤمنون) این شخص (که دعوت نبوی دارد) جز مردی دیوانه به شمار نیست پس باید تا مدتی با او (مدارا کنید) و انتظار برید (تا از مرض جنون بهبود یابد یا بمیرد). (قمشاهی، ۱۴۱۵: ۳۴۳)

او مردی است که جنون دامگیرش شده، پس تا مدت کوتاه در انتظارش باشید، بهبود یابد یا مرگ به سراغش آید (صفوی براساس المیزان، ۳۴۳: ۸۶). حتی حین در این آیه، به معنی الی زمن موته است. در تفسیر المیزان آیه ۲۴ و ۲۵ با هم توضیح داده شده است یعنی برای تفسیر و فهم آیه ۲۵ باید از آیه ۲۴ هم چیزی دستگیرمان شده باشد. الجنة یا مصدر است به معنای جنون یا مفرد الجن یعنی حل به از جن که چیزی بر زبان می‌راند که عقل سلیم آن را قبول نمی‌کند و چیزی را می‌گوید که نباید بگوید پس فُتَرَبِّصُوا و اِنْتَظَرُوا تا حالش از جنون بهتر شود یا بمیرد. او نیست جز مردی مبتلا به جنون پس انتظار برید به آن (با او) مدارا کنید) تا مرگش برسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۹/۱۵) الجنة و الجنون یا الجن یعنی کسی که جن، عقل او را گرفته و دیوانه شده است، حَتَّى حِين یعنی با او مدارا کنید و صبر کنید تا زمانی که بهبود یابد و یا بمیرد. (زمخشری، ۷۰۶: ۵۳۸) او مردی است که گرفتار جنون شده است، انتظار مرگش بکشید تا از دست او راحت شوید. برخی می‌گویند یعنی منتظر بهبودش باشید که پس از بهبودی دست از این حرفها برمی‌دارد برخی هم گویند یعنی زندانش کنید

تا از حرف خود بازگردد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴) از آنجا که مردم در او آثار جاه طلبی و برتری جویی نمی‌دیدند، سران قوم او را به جنون متهم کردند و گفتند: او فقط مردی است که مبتلا به جنون است ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ﴾ پس باید تا مدتی منتظر او بمانید تا او شفا یابد یا بمیرد! ﴿فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (بهرام پور، ۱۳۸۹: ۴۳۱). بیشتر مترجمان واژه الجن را مصدر حساب کرده و به معنای جنون گرفته‌اند و از آنجایی که کسی که جن زده باشد، عقلش زایل می‌شود و این ویژگی با شخص دیوانه تا آخر عمر همراه خواهد بود و دیگران باید با فرد دیوانه تا زمان مرگ مدارا کنند؛ پس بنابر اینکه در این آیه، مشرکان پیامبر (ص) را دیوانه پنداشته‌اند بنابراین ترجمه واژه مذکور به زمان مرگ براساس نظریه معنا صحیح‌تر می‌باشد چون سیاق جمله این گونه اقتضا می‌کند. زمخشری هم در تفسیر این بخش از آیه می‌گوید: «او را تحمل کنید و تا مدتی صبر پیشه کنید تا این کار به سرانجام برسد و او از جنون خود باز گردد و در غیر این صورت او را بکشید.» (زمخشری، ۲۰۰۶، ۱۴۰/۳)

۹ - ۳ - ﴿فَدَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (مؤمنون: ۵۴). پس ای رسول ما بگذار که این بی‌خبران در جهل و غفلت خود بسر برند تا هنگامی معین (که روز مرگ و قیامت باشد تا آنها از خواب غفلت بیدار و به نتیجه‌ی اعمال خود گرفتار شوند) (قمشه‌ای، ۱۴۱۵: ۱۳۱۳/۳۴۵). با اینکه حجت بر آنها تمام شد ایمان نیاوردند در نتیجه خداوند می‌فرماید: حالا که چنین است بگذار آنها در جهل و گمراهی و غفلتشان فرو روند تا ما تکلیفشان را روشن کنیم ﴿فَدَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾. در اینجا مراد از «حین» یا وقت مرگشان است یا وقت نزول عذاب. (بهرام پور، ۱۳۸۹: ۴۴۹) در حین دو وجه است: یکی مرگ و گفته شده‌الی حین العذاب و یا مراد به حالتی که نزدیک می‌کند انسان را به حسرت و ندامت که حاصل محاسبه و مرگ است و هنگام مرگ باید به آن جواب دهد. (حائری: ۱۳۳۸، ج ۷، ۲۸۸) غمره، آب بسیار زیادی که بسترش پیدا نباشد و همچنین آب بسیار زیادی است که گودی دریا را می‌پوشاند و این را مثلی برای جهالت زده که صاحبش را غرق می‌کند و به او پایان می‌دهد و در این آیه، این کلمه برای تهدید عذاب به کار رفته است و اشاره می‌کند به سنت مجازات خداوند با عذاب بعد از تکذیب رسالت. حین اشاره دارد به رسیدن زمان عذاب وعده داده شده به صورت ناگهانی. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۱۷، ۳۵ و ۳۶) الغمره آبی است که صاحبش را غرق می‌کند و مثال زده می‌شود برای کسانی که در جهالت خود غرق شده‌اند. «حَتَّىٰ حِينٍ» یعنی تا زمانی که او را بکشند و یا تا زمانی که بمیرد. (زمخشری، ۷۰۹: ۵۳۸) جهالت موجب هلاکت می‌شود چنانچه خداوند سبحان پیامبران را به جمع و اجتماع بر دین واجب کرده و اینکه باطل از بین رفتنی است، پیامبر می‌فرماید: در جهلشان رها کن چون در جهل راه خلاصی نیست. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج: ۹) ﴿فَدَرَهُمْ (یا محمد) فِي غَمَرَتِهِمْ﴾ یعنی در جهلشان و ضلالتشان رهایشان کن تا مرگ یا عذابشان در رسد. دلیل نکره آمدن «حین» اشاره به آمدن عذاب موعود به صورت ناگهانی دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷۵) در این آیه، برای کسانی که در نهایت

جهل و گمراهی هستند از واژه الغمره استفاده شده است و کسی که در چنین آبی گرفتار آمده باشد برایش راه نجاتی نخواهد بود چون بستر چنین آبی مشخص نیست، بنابر سیاق آیه و با توجه به نظریه معنا، واژه حین در این آیه جز معنای مرگ معنای دیگری برایش پسندیده نخواهد بود؛ چون اگر از لفظ زمان، وقتی، هنگامی، و... استفاده کنیم واژه الغمره معنای اصلی خود را از دست خواهد داد پس بنابراین دلیل، واژه حین ظرف زمان معنا نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

ابهام در واژه «حین» به عنوان یک ظرف زمانی مبهم و زمان نامعلوم مرگ که برای کسی جز خداوند متعال مشخص و معلوم نیست، یک عامل مهم در برداشت معنای مرگ از واژه حین، توسط غالب مترجمان قرآن کریم است.

بر اساس اصل همایی یا همجواری واژگان که همواره مد نظر «جان روبرت فیرث»، زبان‌شناس برجسته بریتانیایی بوده، واژه‌ها بخش عمده‌ای از معنای خود را از واژگان قبل و بعد خود، دریافت می‌کنند و طبق این نظریه، می‌توان گفت مترجمان معنای مرگ را برای واژه «حین» با توجه به واژه «غمره» قبل از آن، استنباط کرده‌اند که آیه ۵۴ سوره مؤمنون، مصداق این نظریه می‌تواند باشد. «سیاق لفظی» ترجمه سه آیه مورد بحث در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم به معنای زمان مرگ، قابل قبول و توجیه پذیر است اما به نظر می‌رسد صراحت و شفافیت کافی در ترجمه این آیات، دیده نمی‌شود و مراجعه به تفاسیر مختلف و مشاهده نقل قول‌ها و نظریات مختلف لغوی، صرفی و نحوی، این مطلب را تقویت می‌کند. هر چند در کتب لغت و در برخی تفاسیر در ذیل این آیه به واژه حین به معنای هلاک و مرگ و شباهت ظاهری آن با واژه «حین» به معنای زمان و وقت به صورت عام، اشاره شده است اما بعید به نظر می‌رسد که مترجمان در آیات مورد نظر و در ترجمه واژه حین به مرگ، این مطلب را مد نظر خود قرار داده باشند و صرفاً بر اساس شباهت لفظی دو واژه، به این معنا رسیده باشند.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
 - آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق): روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۶، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول
 - ابن منظور، جمال الدین محمد، (۱۹۵۵م): لسان العرب، بیروت: دارصادر.
 - بعلبکی، روحی، (۱۳۸۸ش): المورد، ترجمه محمد مقدس، تهران: مؤسسه امیر کبیر.
 - پالمر، فرانک، (۱۳۶۶ش): نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران: کتاب ماد
 - پهلوان نژاد، محمد رضا و سرسرای، شراره سادات، (۱۳۹۰): «معادل یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۳، ش ۸۶۳، ۹-۴۴
 - حائری طهرانی، علی، (۱۳۳۸ش): مقتنیات الدرر، ۱۲ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۲۰۰۹م): المفردات فی غریب القرآن، بیروت: الدار الشامیة.
 - زمخشری، محمود بن عمر، (۲۰۰۹م): الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل، بیروت: دار المعرفة.
 - سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۶ق): تفسیر الجلالین، لبنان: بی مک، چاپ اول
 - الشیدی، فاطمه، (۲۰۱۱م): المعنی خارج النص، دمشق: دار نینوی.
 - الصابونی، محمد علی، (۲۰۰۲م): صفوة التفاسیر، بیروت: دار مکتبة الهلال.
 - صدیق حسن خان، محمد، (۱۴۳۰ق): فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة
 - طباطبایی. سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق): المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: جماعه المدرسین
 - طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش): مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم
 - طبری، محمد ابن جریر، (۱۹۶۸م): جامع البیان عن تأویل آی القرآن، قاهره: دارالمعارف.
 - عاشور، یوسف، (۲۰۱۳): «حین فی القرآن الکریم استعمالاً و دلالة»، الجامعة الاسلامیة، المجلد الحادی و العشرون، غزة: العدد الاول، ۱۱۷-۱۵۹
 - قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۶۷ش): قاموس قرآن، مروی: دار الکتب الاسلامیة، چاپ پنجم،
 - قلیزاده، حیدر، (۱۳۸۰ش): مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، تبریز: مؤسسه علوم اسلامی انسانی.
 - لودریر، ماریان و دانیکا سیلیسکوویچ، (۲۰۰۹م): التأویل سیبلا إلى الترجمة، ترجمه: فائزه قاسم، بیروت: المنظمة العربیة للترجمة.
 - مالوف، لويس، (۱۳۹۰ش): المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، جلد اول، قم: چاپ دوم
 - محمد، محمد یونس علی، (۲۰۰۷م): المعنی و ظلال المعنی، بیروت: دار المدار الاسلامی.
 - محمدی ری شهری، (۱۳۹۱ش): شناخت نامه ی قرآن بر پایه ی قرآن و حدیث، ج اول، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث، چاپ اول
 - مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۶ش): قرآن شناسی، تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی کیا، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره»، چاپ اول
 - المعلوف، لويس، (۱۳۸۷ش): المنجد فی اللغة، تهران: اسلام.
 - نسفی، امام ابوحنفص نجم الدین عمر بن محمد، (۱۳۵۳): تفسیر نسفی، تهران: دیبا
 - نکونام، جعفر، (۱۳۹۰ش): در آمای بر معنانشناسی قرآن، قم: نینوا، چاپ اول،
 - نهر، هادی، (۲۰۰۸م): التفسیر اللغوی والاجتماعی للقرآنیة، عمان: عالم الکتب الحدیث.